

سری مجموعه تعلیمی

جشن آسمانی ، بر زمین

جلسه سوم

آیا کسی را با خودت در این جشن میبری؟



درود به شما مربیان عزیز جوانان قوت و مسخ خداوند بر تک تک شما عزیزان باشد . هدف ما برای شما برگزارکننده های جلسات جوانان عزیز این است که این فرمول اجرایی قدم به قدم جلسات جوانان به شما کمک کند تا جلساتی را با صمیمیت بیشتر و برکات بیشتر تجربه کنید. پس خواست ما از شما مربیان عزیز این است که جلسات جوانان خود را در زمان های مشخص شده و قدم به قدمی که در اینجا برای شما نوشته شده است انجام دهید و نکاتی را حذف نکنید تا جلسات پر ثمرتری را به فیض خداوند با جوانان عزیز داشته باشید.

خوش آمد گویی : ۵ دقیقه

با روی باز و با لبخندی دلگرم کننده سلام و احوال پرسی با جوانان ، اگر جلسه ی اول است معرفی تک تک جوانان و خودتان ، اگر جوان جدیدی به تیم اضافه شده معرفی فرد جدید به جمع و خوش آمد گویی صمیمانه به جوان جدیدی که اضافه شده.

زمان دعا برای شروع جلسه : ۳ دقیقه

اگر شخصی داوطلب است خیلی کوتاه برای شروع جلسه دعا کند و اگر کسی داوطلب نشد خودتان یک دعای کوتاه و پرقوت داشته باشید و بعد جوانان را برای جلسات بعدی تشویق کنید که در تایم دعا هر جلسه شخصی داوطلبانه دعا کند.

برای صمیمیت بیشتر و مشارکت جوانان سوالاتی از این قبیل پرسید : (۱۰ دقیقه)

لازم نیست تمامی این سوالات پرسیده شود به دلخواه خود یک یا دو سوال بر اساس تایم مورد نظر پرسید تا زمان زیادی گرفته نشود . و یک به یک از جوانان پاسخ را بدهند.

- ۱ : وقتی صحبت از کریسمس میشود اولین چیزی که یادش می افتید چیست ؟
- ۲ : آیا انتظار میکشی برای رفتن به جشن تولد عیسی ؟
- ۳ : خاطره ای از جشن تولد خودت یا دیگران به خاطر داری تعریف کنی ؟
- ۴ : چه احساسی به جشن تولد داری ؟
- ۵ : برای تو تولد چه مفهوم و معنایی دارد؟
- ۶ : آیا احساس شما برای ورود به این سال جدید و این کریسمس متفاوت تر از سالهای پیش هست ؟؟؟ اگر بله یا خیر لطفاً کمی توضیح دهید ؟
- ۷ : برای ورود به این جشن آمادگی لازم را دارید ؟
- ۸ : چه کسی را به این ضیافت دعوت خواهید کرد ؟

برگزار کننده ی عزیز لطفا این را در نظر داشته باشید برای رابطه ی صمیمی بیشتر و حس راحتی بیشتر در پاسخ دادن به سوالات و مشارکت جوانان گاهی لازم است خودمان هم در پاسخ دادن با آنها شریک شویم وقتی خودمان پاسخ سوال را میدهیم و میگوییم مثلا اگر خودم بخوام جواب این سوال را بدهم برای من اینگونه بود به آنها کمک میکنیم که چطور آنچه که در ذهنشان است را بیان کنند و همینطور پاسخ شما کمک میکند آنها را بیشتر بشناسند و رابطه ی صمیمانه تری با شما داشته باشند و احساس شرم و خجالت ذره ذره برداشته میشود پس گاهی لازمه ما هم خود را آسیب پذیر کنیم و گاهی اشتیاق خودمان برای برکت گرفتن از جلسه را حتی برای خودمان به آنها بازگو کنیم . و این موضوع کمک میکند احساس راحتی کنند و در صحبت کردن ، همه مشارکت کنند.





زمان بازی : (۱۰ دقیقه)

بازی به این شکل هست که از جوانان می‌خواهیم که سخت‌ترین کار یا خدمتی که در دنیا هست را روی کاغذی یادداشت کنند و بدون آنکه کسی آن را ببیند روی میز قرار دهند و یک نفر داوطلب بلند شود و از بین کاغذها یک برگه را انتخاب کند و برای جوانان پانتومیم آن را اجرا کند بدون آنکه بخواهد توضیحی دهد .
و در ادامه همه ی جوانان در این مشارکت شرکت کنند و اجرا داشته باشند و با توجه به چیزهای که نوشته شده با هم به اجماع برسند که واقعا کدام کار یا خدمتی از نظر همه ی آنها سخت تر است .

زمان پرستش : (۱۰ دقیقه)

در اینجا بعد از بازی شرایط را محیا و آماده کنید برای پرستیدن خدا و آنها را به پرستیدن خدا در ابتدای جلسه دعوت کنید.

اگر جلسه ی اول است به عنوان نمونه و الگو خودتان رهبری پرستش را انجام دهید و از آنها بخواهید که در جلسات آینده اگر مشتاق هستند هر جلسه یک جوان رهبری پرستش را انجام دهد و بگوید از قبل به رهبر پرستش سرود پرستشی مورد نظر اعلام میشود تا چند روز برای رهبری کردن پرستش زمان دعا و فکر کردن داشته باشد.
تشویق به مشارکت جوانان در زمان های مختلف به آنها کمک میکند که هر ترس و خجالت را ذره ذره با کمک خداوند کنار بگذارند و بستر جلسات جوانان برای آنها شرایطی را محیا میکند که در کنار تعلیم گرفتن خودشان هم عامل برکت دادن به دیگران شوند و برای تقویت آنها در این مسیر عامل برکت بودن تمرینی خواهد بود.

لینک پرستش : <https://www.youtube.com/watch?v=pi34lnPJGLs>

لینک پرستش : <https://www.youtube.com/watch?v=azvYAbvYsVk>

زمان تعلیم : (۲۰ دقیقه)

درس سوم:

عنوان تعلیم : آیا کسی رو با خودت در این جشن میبری؟

هدف کلی : جوانان در این مجموعه خواهند آموخت که منجی ما کیست و در نتیجه این شناخت چطور میتوانیم با او وارد رابطه ی بهتری شویم

هدف جزئی این درس : جوانان یاد خواهند گرفت با شناخت عمیق عیسی مسیح نجات دهنده ی ما نه تنها زندگی خودمان در حضور او عوض میشود قوت و قدرت خدای که در ما هست باعث تغییر زندگی اطرافیان ما میشود و ما میتوانیم نور و نمک باشیم در دنیای که پر از رنج و سختی است .

مقدمه :

دنیا جای عجیبی است خبرهای که هر روزه میشنویم و مارا مات و مبهوت می‌کند، جنگ، کشتارهای بیرحمانه، تجاوز، قتل، دسیسه علیه هم نوع خود، حیوان آزاری ها، نبودن عدالت، با خودمان می‌گوییم ای کاش که زمان می ایستاد، چقدر زمان ها به این فکر کرده آید که خدایا آیا میتوان تو را یافت؟ هستی که ببینی؟

شهادت برادری را به یاد می آورم که در خانواده ی خیلی مرفح و تحصیل کرده ای به دنیا آمده بود و از نظر موقعیت اجتماعی خیلی خوب به نظر می‌رسید و پدر و مادر مهربان و زحمت کشی داشت اما متاسفانه به مسیر های که نباید قدم گذاشت و روزی خودش را در باتلاقی فرو رفته احساس کرد و به شدت تحت فشار بود، از طرفی شرم داشت که به خانه و زندگی خودش برگردد و از طرف دیگر نیاز به حمایت داشت اما فرار را بر قرار ترجیح داد و هر روز و هر روز بیشتر در خلاف و مصرف مواد مخدر غرق میشد . یادم هست وقتی این شهادت را می‌شنیدم اصلا نمی‌توانستم باور کنم که این مرد همان مردی است که در گذشته چنین بوده است، وقتی زمانی در حال مصرف مواد مخدر بوده مردی برای دعا هر شب به آن کوچه ها می‌رفته و برای آن مکان دعا می‌کرده و با ایشان برخورد میکند و آن مرد به او بشارت مسیح را میدهد .





وقتی آن مرد کنار می‌نشیند به او میگوید امشب خدا برای تو داستان جدیدی رقم زده است و میخواهم به تو بگویم که خدا زنده است و تو را میبیند تو را ترک نکرده است و برای تو به عدالت داوری میکند و کتابی به او می‌دهد و میرود. زمانی که این برادر این شهادت را تعریف میکرد اشک اماتش نمی‌داد و گفت وقتی آن مرد از من دور میشد من فکر میکردم توهم زده ام و آن لحظه بلند فریاد زدم خدایا آیا تو هستی؟؟ و صدای را شنیدم که گفت تو را دوست دارم، تو را محبت میکنم، تو برای من ارزشمندی.

و آن لحظه از هوش رفتم. وقتی چشمانم را باز کردم هنوز همان جا بودم و آن کتاب در دستان من بود، بلند شدم و شروع کردم به خواندن آن کتاب هر چه بیشتر می‌خواندم تشنه تر میشدم و نیازم را بیشتر احساس میکردم. خیلی کنجکاو بودم که صاحب این کتاب کیست کسی که این کتاب را نوشته چه کسی است؟ آیا شخصیتی که در این کتاب از آن به نام عیسی یاد میشود حقیقی است، هزاران سوال در سر من بود تا اینکه متوجه شدم روی صفحه ی اول آن کتاب شماره ی یاد داشت شده و اسم شخصی زیر آن شماره نوشته شده است، فوراً بلند شدم و باجه ی تلفنی را پیدا کردم و زنگ زدم و صدای دلنشین و آرامی به من گفت منتظرت بودم، چند لحظه قلبم از تپش افتاد و احساس میکردم که مردم اما دوباره آن صدا گفت نه تنها من بلکه عیسی خداوند زنده، خداوند شفا دهنده منتظر توست، ساعت ها با هم صحبت کردیم و من تصمیم گرفتم که مداوا شوم و در همان بیمارستان قلب و زندگی خودم را تقدیم به خدا کردم. نزدیک کریسمس بود و من خیلی دوست داشتم که داستان زندگی خودم را به مردمی که هنوز عیسی را نمی‌شناسند بگویم پس با دوستم که به من بشارت داده بود صحبت کردم و او با تمام اشتیاق مرا به تولد منجی عالم دعوت کرد و من برای ورود به آنجا هیجان زده شده بودم. وقتی وارد آن سالن شدم حضوری عمیق من را فرا گرفت و با تشنگی بیشتر به جلو حرکت کردم و پیغام زیبای شنیدم که او عمانوییل ایست یعنی خدا با ماست، سالهای سال که من تنها بودم او همیشه با من بود، من هرگز آن شب را فراموش نمیکنم که چقدر به من خوش گذشت و زندگی دوباره ی خدا به من بخشید، من به خانه ی پدری و مادری خودم برگشتم و به آنان بشارت دادم، آن مهمانی زندگی مرا عوض کرد. و از پس

گفتم خداوندا من میخواهم آن کسی باشم که فرزندان گمشده ی تو را به این ضیافت و مهمانی زیبا دعوت میکند. زیرا در این مهمانی همه چیز به فراوانی یافت میشود، حکمت، فهم، مشورت، قوت، معرفت، ترس خداوند، لذت در او و نیکویی و رحم او.

طرح درس :

همه ی ما دعوت شده ایم به جشن تولد منجی عالم و ما میتوانیم افرادی باشیم که دلشکستگان، ماتمیان، دردمندان، نیازمندان، رانده شدگان، ترد شدگان، بیماران، ضعیفان و افتادگان را به این ضیافت دعوت کنیم. وقتی در مسیح متولد شویم هر اتفاقی که در دنیا می افتد باعث میشود که ما بیشتر و بیشتر به این فکر کنیم که زمان ها کوتاه است و بسیار افراد هستند در اطراف ما که هنوز پیغام سلامتی انجیل را نشنیده اند.

در انجیل متی باب ۱ آیات ۱۸ تا ۲۵ می‌فرماید :

[۱۸] تولد عیسی مسیح اینچنین روی داد: مریم، مادر عیسی، نامزد یوسف بود. اما پیش از آنکه به هم ببینوند، معلوم شد که مریم از روح القدس آستن است. [۱۹] از آنجا که شوهرش یوسف مردی پارسا بود و نمی‌خواست مریم را رسوا کند، بر آن شد که بی سر و صدا از او جدا شود. [۲۰] اما چون این تصمیم را گرفت، به ناگاه فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: «ای یوسف، پسر داوود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا آنچه در بطن وی قرار گرفته، از روح القدس است. [۲۱] او پسری به دنیا خواهد آورد و تو او را عیسی خواهی نامید، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد بخشید.» [۲۲] این همه رخ داد تا آنچه خداوند به زبان نبی گفته بود، به حقیقت پیوندد که: [۲۳] «بیا که آستن شده، پسری به دنیا خواهد آورد و او را عمانوییل خواهند نامید،» که به معنی 'خدا با ما' است. [۲۴] چون یوسف از خواب بیدار شد، آنچه فرشته خداوند به او فرمان داده بود، انجام داد و زن خود را گرفت. [۲۵] اما با او همبستر نشد تا او پسر خود را به دنیا آورد؛ و یوسف او را عیسی نامید.

نام او عمانوییل است به معنی خدا با ماست، او نه تنها عمانوییل این بلکه عیسی است یعنی نجات دهنده زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات بخشید. این وعده ی خداست. شناخت چنین خداوندی که تولد او، زندگی و مرگ و قیام او متفاوت است ما میتوانیم به او نزدیک تر شویم او عاشق دوستی با ماست و منتظر و چشم‌به راه برای من عیسی مسیح خودش یک دوست نمونه است او آمد که جهان را با پدر آشتی دهد. او برای همه آمد مرد یا زن جوان یا پیر برای او فرقی ندارد او به نام ما را می‌شناسد، هرآنچه امروز داریم از آن اوست.

آیا میخواهی با چنین خدای دوستی کنی و به شباهت او در بیای؟

در این مسیر فقط نیاز است که به او اعتماد کنیم،

ما چیزی از خودمان نداریم هر آنچه که نیاز باشد به واسطه ی روح خدا به ما داده میشود.

کتاب اشعیا باب ۱۱ آیات ۲,۳ این چنین می‌فرماید:

۲ روح خداوند بر او قرار خواهد یافت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قوت، روح معرفت و ترس خداوند. ۳ و لذت او در ترس خداوند خواهد بود. بر حسب آنچه به چشم ببند، داوری نخواهد کرد و بر وفق آنچه به گوش شنود، حکم نخواهد داد

لحظه ی فکر کنیم آیا حاضر هستیم همان طور که ما نجات یافتیم و مسیح را در قلب خودمان پذیرفتیم دیگران را با این سر منشا محبت آشنا کنیم. عیسی مسیح خدای فرصت هاست. او خدای صلح و سلامتی است در کتاب

دوم قرنتیان باب ۱۳ آیه ۱۱ می‌فرماید؛

که خدای محبت و صلح و صفا با شما خواهد بود.





وقتی به مهمانی یا جشنی دعوت شده ایم همیشه دلمان می‌خواهد که خانواده‌ی ما و دوستان ما هم کنار ما باشند تا از آنجا لذت ببرند، لباس‌های مناسب به تن میکنیم با خود چیزهای اضافه نمی‌بریم سعی ما این است که بهترین خودمان را آنجا نشان دهیم، ما هم اینک به این ضیافت و مهمانی بزرگ که میلاد منجی ماست دعوت شده ایم، آیا حاضر هستیم؟

چه کسی را خدا به یادتان آورد که او را به این ضیافت باشکوه دعوت کنید؟ پس از همین حالا برای او در دعا باشیم، روزه بگیریم و از خداوند بخواهیم که قلب او برای این دعوت آماده باشد. وقتی به این مهمانی لبیک می‌گوییم خداوند قادر است تمام زندگی ما را شفا دهد، او می‌تواند به عمق‌های ما برود و مانند شهادتی که برادر ما گفتند عمیقاً با ما ملاقات کند. خیلی از مردم دنیا به منجی ایمان می‌آورند اما خیلی به اینکه دیگران را به این ضیافت دعوت کنند علاقه‌ی ندارند و یا می‌ترسند اما میلاد مسیح بزرگترین فرصت است برای دعوت دوستانمان و اطرافیان به این مهمانی خجسته. در این درس می‌خواهیم به چند تا ویژگی پررنگ از افرادی که حاضر هستند دیگران را با تمام اشتیاق دعوت کنند.

۱: آنان میدانند که به چه کسی ایمان آورده‌اند و آن منجی چه شخصیتی دارد و برای چه به جهان آمده است.

[۱۶] «زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد. یوحنا ۱۶:۳»

۲: آنان افرادی هستند که ثمرات روح القدس در آنها دیده میشود. به شدت دلشان به حال دیگران می‌سوزد و میدانند که چه گذشته‌ی داشتند و با بودن در مسیح خداوند چه شاهکاری برایشان انجام داده، از اینکه از گذشته‌ی خودشان شهادت بدهند نمی‌هراسند و میدانند با گفتن شهادت‌ها دیگران را قوت می‌دهند.

[۲۲] اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، [۲۳] فروتنی و خوشتنداری است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست.

۳: آنها افرادی مطیع و مسولیت‌پذیر هستند، میدانند که با مسیح بر صلیب شده‌اند به این ایمان دارند.

[۲۰] با مسیح بر صلیب شده‌ام، و دیگر من نیستم که زندگی می‌کنم، بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند؛ و این زندگی که اکنون در جسم می‌کنم، با ایمان به پسر خداست که مرا محبت کرد و جان خود را به‌خاطر من داد.

غلاطیان ۲:۲۰

۴: آنها افرادی هستند که نیاز خودشان را به خداوند، کلام او، کلیسا، مشارکت‌ها میدانند و همیشه در حال تغییر هستند و به صدای خدا حساس هستند و میدانند که باید به نام حقیقی همیشه وصل باشند و جدا از آن هیچ چیز نیستند.

[5] «من تاک هستم و شما

شاخه‌های آن. کسی که در من می‌ماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد؛ زیرا جدا از من، هیچ نمی‌توانید کرد.

پس نتیجه می‌گیریم: با بودن در مسیح، شناختن ان منجی نه تنها زندگی ما عوض میشود ما با قدرت روح القدس باعث تغییر و تبدیل دیگران می‌شویم.

۶: آنان افرادی هستند که با روح و حکمت و قدرت خدا صحبت میکنند و بسیار افراد امینی هستند.

[۱۰] «آن که در امور کوچک امین باشد، در امور بزرگ نیز امین خواهد بود، و آن که در امور کوچک امین نباشد، در امور بزرگ نیز امین نخواهد بود.

انجیل لوقا باب ۱۶ آیه ۱۰

[۲] با تکبر، شرمساری می‌آید، اما حکمت با فروتنان است.

امثال سلیمان باب ۱۱ آیه ۲

کار عملی:

از همین امروز در یک دفتر چه نام افرادی که می‌خواهیم در ضیافت منجی آنان را دعوت کنیم یادداشت کنیم و برایشان به نام دعا کنیم.

یک انجیل در کیف خودمان قرار دهیم و در سطح شهر راه برویم و از روح خدا بخواهیم مارا هدایت کند تا این کتاب را به شخصی که خیلی نیاز دارد برسانیم.

کارت دعوتی درست کنیم و دوستان و عزیزانمان را برای جشن منجی به صورت رسمی دعوت کنیم.





زمان پرسش و پاسخ : (۷ دقیقه)

* چه برکتی از این تعلیم گرفتیم ؟

* آیا تجربه ای شخصی در زندگی درمورد این تعلیم داشتیم ؟

* امروز خداوند از طریق این تعلیم به من چه گفت ؟

مربی عزیز خیلی خوب است همه مشارکت کنند اما گاهی تعلیم خداوند به ما چیز هایی را نشان میدهد که شاید بازگو کردن آنها در جمع برای ما کار دشواری باشد پس بهتر است اگر چنین اشخاصی را تشخیص دادید با کمک روح القدس در تایم های شخصی تری از آنها بخواهید با شما صحبت کنند البته اگر تمایل داشتند یا تشویق کنید بگویند اگر خداوند چیزهایی را به شما نشان داده که نمیتوانید در جمع صحبت کنید بهتر است با شخص امینی خودتان یا شبان کلیسا تایم شخصی صحبت کنید.

زمان دعای آخر : (۳ دقیقه)

بهتر است هم ابتدا و هم انتهای جلسه با دعا شروع شود و با دعا تمام شود ، آنچه که در راستای تعلیم و مشارکت ها ، خداوند هدایتتان کرد برای جوانان دعا کنید.

در انتها جوانان را تشویق کنید تا جلسات آینده در مورد تعلیم فکر و تعمق کنند.

زمان استراحت و مشارکت پایان : ۲۰ دقیقه

از آنها با هر چیزی که تدارک دیدی پذیرایی کنید و تایم شاد و مشارکت آزاد داشته باشید.

زمان کل جلسه : ۸۸ دقیقه یا ۱:۲۸ دقیقه

